نشریه پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار
جلد۱، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، صفحه: از ۱ تا ۱۷ ISSN 2717-2570
https://science-journals.ir https://pnmktk.science-journals.ir

بررسی آثار میانجی‌گری سودآوری بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

امید سمیعی[۱]، محمد حسین هوشیارزاده[۲]، حامد فلامرزی[۳]، سجاد آستانه جورابی[۴]
۱-دکتری حسابداری، گروه حسابداری دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب
۲-کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد شیراز
۳-دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان
۴-کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور واحدتهران غرب

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه اجتناب مالیاتی سودآوری و ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش شامل ۹۱ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ است. برای اندازه‌گیری متغیر اجتناب مالیاتی از دو شاخص نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات استفاده شده است. در راستای تحقق هدف‌های پژوهش، نه فرضیه تدوین شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آماری تحلیل همبستگی و مدل‌بندی معادلات ساختاری با بکارگیری نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخه ۱۹ و PLS استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری پژوهش نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که سودآوری شرکت‌ها بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت‌ها نقش واسطه ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: نرخ مؤثر مالیاتی، تفاوت دفتری مالیات، سودآوری، ارزش شرکت

جلد۱، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، صفحه: از ۱ تا ۱۷ ISSN 2717-2570
https://science-journals.ir https://pnmktk.science-journals.ir

۱- مقدمه

استراتژی اجتناب مالیاتی ثروت را از دولت به سهامداران منتقل خواهد کرد. بنابراین، اجتناب مالیاتی باید منجر به پرداخت مالیات کمتر و جریان‌های نقدی پس از مالیات بیشتر شده باشد؛ این موضوع در تحلیل‌های سرمایه‌گذاران و تحلیلگران لحاظ خواهد شد و در نهایت خود را در قیمت سهام نشان می‌دهد (چن و همکاران[1]، ۲۰۱۶). با این حال، شواهد تجربی موجود ضد و نقیض است. به عنوان مثال، دسای و دهارماپالا (۲۰۰۹) به رابطه معناداری بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار شرکت دست نیافتند، اما هانلن و سلمرود (۲۰۰۹) نشان دادند که قیمت بازار سهام شرکت‌ها نسبت به اخبار اجتناب مالیاتی عکس‌العمل نشان می‌دهد. همچنین، چن و همکاران (۲۰۱۴) به رابطه معکوسی بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار شرکت دست یافتند.

همان‌گونه که پیش از این آمد، در اکثر پژوهش‌های پیشین نقش ویژگی‌های خاص شرکت‌ها در تعیین میزان اجتناب مالیاتی به‌وسیله شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و تنها در محدود پژوهش‌هایی پیامدهای اجتناب مالیاتی مورد تحلیل قرار گرفته است. پژوهش حاضر از چند جنبه به ادبیات فعلی در زمینه مدیریت مالیات کمک می‌کند. اول، این که پژوهش حاضر میزان تأثیر اجتناب مالیاتی را بر ارزش بازار شرکت مورد بررسی قرار می‌دهد. افزون‌بر این، مطالعات قبلی تنها اثر مستقیم رفتار پرخاشگرانه مالیات بر ارزش شرکت را مورد بررسی قرار داده‌اند (به‌عنوان نمونه، هانلن و سلمرود، ۲۰۰۹؛ دسای و دهارماپالا، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴)؛ اما در این پژوهش نقش واسطه‌ای سودآوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، اکثر پژوهش‌های پیشین در کشورهای توسعه‌یافته نظیر آمریکا انجام شده‌اند که به لحاظ ساختارهای اقتصادی، مالیاتی و کارایی اطلاعاتی بازار سرمایه با کشور ایران متفاوت است؛ اما این پژوهش در کشور ایران، که یک کشور در حال توسعه و جهان سوم است، انجام شده است. علی‌رغم مطالب ذکر شده، در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و عدم خرید نفت ایران به‌وسیله سایر کشورها و در نتیجه جهت‌گیری بودجه کشور به سمت درآمد مالیاتی، ضروری به‌نظر می‌رسد که فرهنگ‌سازی در خصوص عدم اجتناب مالیاتی در ایران ضروری باشد؛ این پژوهش با نشان دادن پیامدهای اجتناب مالیاتی از طریق نشان دادن عکس‌العمل بازار به این پدیده، می‌تواند کمک شایانی به این مهم داشته باشد. لازم به‌ذکر است که این پژوهش از این دیدگاه دارای نوآوری است که برای اولین بار این موضوع را در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد.

با توجه به این شواهد ضد و نقیض و خلأ موجود در زمینه شناخت عوامل تأثیرپذیر از اجتناب مالیاتی در یک مدل جامع در ایران، می‌توان مسأله پژوهش حاضر را به این نحو مطرح کرد که: آیا اجتناب مالیاتی به‌وسیله شرکت‌ها بر ارزش بازار آنها تأثیرگذار است یا خیر؟ افزون‌بر این، آیا سودآوری می‌تواند در این خصوص، نقش واسطه‌ای داشته باشد؟

[1] Chen et al.

جلد۱، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، صفحه: از ۱ تا ۱۷ ISSN 2717-2570
https://science-journals.ir https://pnmktk.science-journals.ir

۲- مبانی نظری

الف) سودآوری:

سود از جمله اطلاعات با اهمیت در تصمیمات اقتصادی به شمار می‌رود. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده درباره سود، یکی از پرحجم‌ترین و بیشترین تلاش‌های پژوهشی را در تاریخ حسابداری تشکیل می‌دهد (داهیات[۲]، ۲۰۱۶؛ ابراهیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). چالش اساسی مدیریت بنگاه‌های تجاری ارزش‌آفرینی برای بنگاه‌ها به خصوص ثروت‌آفرینی برای سهامداران است. از نظر بسیاری از سهامداران، مهم‌ترین عامل برتری یک شرکت، میزان سودآور بودن آن است (ابراهیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

به نظر بلوچر و همکاران[۳] (۲۰۰۸) ارزیابی عملکرد، ''فرآیندی است که به‌وسیله آن همه مدیران درباره عملکرد کارهای تخصصی انجام شده در شرکت اطلاعات به دست می‌آورند و این عملکردها را با شاخص‌های تعیین شده در بودجه، برنامه‌ها و هدف‌ها مقایسه می‌کنند'' و یا به نظر ودیعی (۱۳۷۶)، ارزیابی عملکردمی‌تواند ''فرآیند تعیین میزان استفاده بهینه مدیریت از منابع و امکانات با توجه به شاخص‌های معین نامیده شود''.

سرمایه‌گذاران، مدیران و اعتباردهندگان، هر یک معیارهایی را برای سنجش عملکرد واحد تجاری مورد توجه قرار می‌دهند. تحلیل‌های عملیاتی همچون حاشیه سود ناخالص، حاشیه سود خالص، نسبت گردش دارایی‌ها و نسبت‌های سودآوری مثل بازده کل دارایی‌ها (سود خالص به جمع دارایی‌ها) معیارهای عملکرد واحد تجاری از نظر مدیران است، حال آن که از نظر سرمایه‌گذاران، نسبت‌های سودآوری مثل بازدهی ارزش ویژه و سود هر سهم و شاخص‌های بازار مثل نسبت قیمت به سود هر سهم و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و یا سود تقسیم شده‌ی هر سهم، معیار عملکرد واحد تجاری می‌باشد و معیار عملکرد واحد تجاری از نظر اعتباردهندگان، نسبت‌های نقدینگی، اهرم مالی و نسبت‌های پوشش بهره است (شه رضایی، ۱۳۸۳).

در پژوهش‌های اخیر از معیارهای متفاوتی مانند بازده کل حقوق صاحبان سهام (ROE)، بازده کل دارایی‌ها (ROA)، سود هر سهم (EPS) و ارزش افزوده اقتصادی (EVA) برای اندازه‌گیری عملکرد و سودآوری شرکت‌ها استفاده شده است. به‌عنوان نمونه، در پژوهش ژانگ و همکاران (۲۰۱۴) از معیارهای بازده کل حقوق صاحبان سهام، بازده کل دارایی‌ها و سود هر سهم برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت استفاده شده است. در این پژوهش از شاخص بازده کل دارایی‌ها به عنوان معیار سودآوری و ارزیابی عملکرد شرکت استفاده شده است.

بازده کل دارایی‌ها، یک ایده درباره مدیریت کارآمد، در رابطه با استفاده از دارایی‌ها، در جهت تولید سود (دارایی‌های مولد) به ما می‌دهد، که از طریق تقسیم سود سالیانه، به کل دارایی شرکت، محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر، بازده دارایی‌ها (سودآوری) نشان‌دهنده توانایی مدیریت در استفاده کارا از دارایی‌ها می‌باشد و بیشتر بر روی بازدهی بخش عملیات متمرکز است. این معیار در کنار معیار نسبت بدهی‌ها (میزان استفاده بنگاه از اهرم‌های مالی) نظام دوپانت را تشکیل می‌دهند. اگر دارایی‌های اضافی در عملیات بکار گرفته شوند مانند این است که هزینه‌های عملیاتی افزایش یافته‌اند. یکی از مزایای مهم فرمول نرخ بازده دارایی‌ها این است که مدیران را به کنترل دارایی‌های عملیاتی وادار

[۲] Dahiyat

[۳] Blocheret al.

می‌سازد و همواره با کنترل هزینه‌ها، نرخ سود خالص و حجم فروش، به کنترل دارایی‌های عملیاتی نیز می‌پردازند (صحت و همکاران، ۱۳۹۰).

بسیاری از شواهد در خصوص محتوای اطلاعاتی سودآوری برای توضیح بازده نشان می‌دهند که سودآوری تبیین‌کننده مناسبی از بازده سهام است؛ مخصوصاً زمانی که از داده‌ها برای دوره‌ای طولانی میانگین گرفته شود (ایآستون و همکاران[۴]، ۱۹۹۲).

ب) اجتناب مالیاتی

مالیات مهم‌ترین منبع تأمین مالی هزینه‌های حاکمیتی دولت در هر کشوری محسوب می‌شود. کلمه مالیات به معنای باج، خراج و پول‌هایی است که مأمورین وزارت دارایی به موجب قانون از مردم می‌گیرند (عمید، ۱۳۶۵). در واقع مالیات یک نوع هزینه اجتماعی است و قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی- اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود و مالیات‌دهندگان تقریباً پذیرفته‌اند که باید سهم خود را در هزینه‌های اجتماعی بپردازند. به بیان دقیق‌تر، مالیات قسمتی از درآمد و دارایی افراد است که به‌منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به‌وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. عده‌ای از صاحب‌نظران مالیات را مبلغی می‌دانند که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه می‌گیرد.

مالیات بر درآمد شرکت‌ها یکی از موارد مهم مالیات‌های مستقیم می‌باشد. این نوع مالیات، در واقع بر مبنای سود شرکت‌ها وضع می‌شود و سهم قابل‌توجهی از درآمد مالیاتی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. نرخ این مالیات در کشورهای گوناگون متفاوت است اما آن‌چه در حال حاضر در بیشتر کشورها مشاهده می‌شود آن است که نرخ این مالیات در سراسر جهان در حال کاهش است (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۷). این مالیات برای نخستین بار در سال ۱۳۰۹ و به موجب قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها و تجارت در ایران مرسوم گردید. پیش از اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر طبق ماده ۱۳۱ اعمال می‌شد. در واقع، تعدد نرخ برای شرکت‌ها وجود داشت، اما طبق ماده ۱۰۵ اصلاحیه مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ جمع درآمد شرکت‌ها و درآمدهای ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشند، مشمول مالیات به نرخ ۲۵٪ خواهد بود.

اجتناب مالیاتی به‌عنوان هر استراتژی تعریف می‌شود که بدهی مالیاتی شرکت را کاهش می‌دهد (دیرنگ و همکاران[۵]، ۲۰۰۸). پاسترناک[۶] و ریکو[۷] (۲۰۰۸)، اجتناب مالیاتی را، استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به‌منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به‌وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند (پاسترناک و ریکو، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، اجتناب از پرداخت مالیات کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از

[۴] Easton et al.
[۵] Dyreng
[۶] Pasternak
[۷] Rico

ظرایف قانونی است. بنا به دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی با فعالیت‌های خاصی در مقابل اصول کلی وضع مالیات و کاستی‌هایی در قوانین و مقررات مالیاتی ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راهکارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان فراهم آید. در این‌صورت مؤدی می‌تواند از طریق راه‌های قانونی اقدام به اجتناب از مالیات کند.

دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود اجتناب مالیاتی را با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی سنجیدند. برای این امر به جای استفاده از هزینه مالیات محاسبه شده طبق اصول پذیرفته شده حسابداری که در صورت سود و زیان شرکت‌ها منعکس می‌شود، مالیات پرداخت شده ظرف ۵ سال را بر سود قبل از مالیات منعکس شده در صورت سود و زیان تقسیم کرده و از آن در پژوهش خود استفاده کردند. نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان‌دهنده این است که مدیران برنامه‌ریزی مؤثر مالیاتی را به‌عنوان قابلیت به حداقل رساندن مالیات نقدی پرداخت شده در طول دوره زمانی طولانی تلقی می‌کنند. بنابراین، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان‌دهنده فعالیت‌هایی است که مالیات نقدی پرداخت شده در یک دوره خاص را کاهش می‌دهند. به عقیده دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) مقادیر پایین‌تر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان-دهنده میزان اجتناب مالیاتی آینده بیشتر می‌باشد.

معیار دیگر مورد استفاده جهت بررسی وضعیت مالیاتی شرکت، اختلاف بین درآمد محاسبه شده بر طبق استانداردهای حسابداری و درآمد مشمول مالیات[۸] می‌باشد. معمولاً بین دو رقم ذکر شده اختلاف وجود دارد و این اختلاف از تفاوت بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی مربوطه درباره شناسایی درآمدها و هزینه‌ها نشأت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، قوانین مالیاتی در مورد شناسایی هزینه استهلاک دارایی‌های مختلف، رهنمودهایی ارائه نموده است که شرکت برای محاسبه درآمد مشمول مالیات خود باید رهنمودهای مذکور را در نظر داشته باشد و هزینه استهلاک خود را بر اساس قوانین مربوطه محاسبه کند. با این حال، شرکت این اختیار را دارد که برای محاسبه درآمد بر طبق استانداردهای حسابداری، از روش‌های متفاوتی نسبت به روش‌های ذکر شده در قوانین مالیاتی جهت مستهلک نمودن دارایی‌های خود استفاده کند. هم‌چنین، این امر در مورد درآمدها نیز مصداق دارد و برخی از درآمدها ممکن است معاف از مالیات باشند و در محاسبه درآمد مشمول مالیات حذف گردند در حالی که در ارائه درآمد بر طبق استانداردهای حسابداری، گنجانده می‌شوند.

ج) ارزش شرکت

مقصود از تعیین ارزش شرکت، تعیین ارزش دارایی‌های مالی (اوراق قرضه، سهام عادی، سهام ممتاز) آن است. تعیین ارزش انواع دارایی‌های مالی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار نقش قابل‌توجهی دارد؛ زیرا سرمایه‌گذار قبل از خرید انواع اوراق بهادار، علاقه‌مند است از ارزش آن آگاهی یابد. ارزش اوراق بهادار به وسیله حقوق صاحبان سهام و سود بالقوه، تبیین می‌گردد. علاوه بر آن، محیط اقتصادی و عملکرد شرکت در صنعت بر ارزش اوراق بهادار و نرخ بازدهی آن مؤثر است. با تبیین ارزش شرکت در فرآیند ارزشیابی اوراق بهادار، شواهدی کسب می‌گردد که بر پایه آن بتوان عملکرد شرکت را اندازه‌گیری نمود و در خصوص بازدهی آتی اوراق بهادار و تداوم فعالیت شرکت، راهکارهای عملی و اجرایی ارائه نمود. فرض اصلی ارزشیابی دارایی‌های مالی این است که سرمایه‌گذار قصد دارد، ارزش بازار اوراق بهادار را بداند؛ زیرا اوست که اوراق بهادار شرکت‌ها را خرید و فروش می‌نماید (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۰).

[۸] Book-Tax Differences

فرآیند ارزشیابی شرکت دارای سه مرحله می‌باشد که عبارتند از:

مرحله اول) شناخت شرکت: شناخت شرکت شامل تحلیل جذابیت صنعت، تحلیل جایگاه شرکت در صنعت و تحلیل استراتژی رقابتی شرکت است. از آنجا که متغیرهای اقتصادی، تمام شرکت‌های فعال در یک صنعت را تحت تأثیر قرار می‌دهند و چون شرکت‌ها برای فروش با هم در رقابت هستند، شناخت صنعت و استراتژی رقابتی شرکت به برآورد متغیرهای مالی کمک می‌کند. تحلیلگر مالی، از این اطلاعات به همراه گزارش‌های مالی شرکت، برای پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت استفاده می‌کند (بخشیانی و همکاران، ۱۳۸۷). تجزیه و تحلیل شرکت منجر به شناسایی بهترین شرکت در یک صنعت می‌گردد و این امر متضمن بررسی عملکرد قبلی شرکت است. پس از شناخت شرکت و دورنمای آتی آن می‌توان ارزش آن را مشخص نمود و در مورد سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار آن تصمیم-گیری نمود (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۰).

مرحله دوم) پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت: فروش، سود و موقعیت مالی آتی شرکت، متغیرهای ورودی مدل ارزش‌گذاری می‌باشند. عملکرد آتی شرکت به شرایط کلان اقتصادی (کم و بیش بر تمام شرکت‌ها اثر می‌گذارد) و ویژگی هر شرکت بستگی دارد. در پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت می‌توان از دو روش استفاده نمود؛ تحلیل بالا به پایین عملکرد شرکت و تحلیل پایین به بالا عملکرد شرکت. روش اول از تحلیل اوضاع اقتصاد کلان شروع می‌گردد و سپس به تحلیل صنعت (شناخت مواردی که بر صنایع تأثیر دارند مانند مالیات) می‌رسد و در نهایت براساس نتایج به دست آمده به تحلیل شرکت می‌پردازد و روش دوم (تحلیل پایین به بالا) از تجمیع تقاضا برای محصولات شرکت‌ها به برآورد تقاضای کل و در نهایت تحلیل اوضاع کلان اقتصادی می‌پردازد (بخشیانی و همکاران، ۱۳۸۷).

مرحله سوم) پیش‌بینی ارزش شرکت: در این مرحله بر اساس شناختی که از شرکت کسب شده و عملکردی که از آن انتظار می‌رود در دوره‌های آینده رخ دهد، ارزش شرکت تعیین می‌شود

۳- پیشینه پژوهش

مرادی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام با استفاده از نوسان پایین به بالا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد که سازوکارهای نظارتی خارجی قوی مانند مالکان نهادی و مدیران غیرموظف بر رابطه بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام تأثیری ندارند.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه گذاری نهادی و ارزش شرکت» تأثیر مالکیت نهادی بر ارزش شرکت ها را بررسی نمودند. نتایج پژوهش آنها بیانگر وجود رابطه مثبت بین سرمایه‌گذاری نهادی و ارزش شرکت‌ها که مؤید فرضیه نظارت کارآمد است و نیز عدم وجود ارتباط معنادار بین تمرکز مالکیت نهادی و ارزش شرکت‌ها که فرضیه همگرایی منافع را تأیید نمی‌کند، بوده است.

شمس‌زاده و ذکوری (۱۳۸۷) به شناسایی علل اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی اشخاص حقوقی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که مؤثرترین عامل در حالت مردودی دفاتر، عدم رعایت آیین‌نامه تحریر دفاتر قانونی بوده است. ضمن این که مهم‌ترین عامل مردودی دفاتر عدم ثبت یک یا چند فعالیت

مالی در دفاتر و تأخیر پلمپ دفاتر قانونی بوده است. همچنین در حالت قبولی دفاتر، عمده‌ترین هزینه غیرقابل قبول مربوط به عدم ارائه یا عدم وجود مستندات در اثبات هزینه بوده است و مغایرت بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی در حالت قبولی دفاتر باعث ایجاد تفاوت معنادار نمی‌شود.

ایزدی‌نیا و رساییان (۱۳۸۸) رابطه ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دارند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به صورت مقطعی و ترکیبی بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل با وقفه توزیعی به روش رگرسیون ترکیبی نیز بیانگر وجود رابطه معنادار بسیار کم اهمیت بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

دموری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ارزش شرکت با هموارسازی سود و کیفیت سود برای ۷۴ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۷۹ پرداختند. نتایج حاصل از آزمون‌های مربوط بیانگر آن بود که سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های هموارساز سود با کیفیت، بالاترین ارزش و برای شرکت‌های غیر هموارساز سود بدون کیفیت، کم‌ترین ارزش را قائل هستند.

اوسولیوان[۹] و مک‌کالینگ[۱۰] (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین رضایت مشتریان، سود و ارزش شرکت با استفاده از داده‌های مربوط به ۲۰۰ شرکت‌آمریکایی در بازه زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۴ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که میزان اثرگذاری رضایت مشتریان بر ارزش شرکت بیش از سود است، و معیار رضایت مشتری منجر به میانجی‌گری و ایجاد ارتباط بین کیفیت سود و ارزش شرکت می‌شود.

پنیائتیس و همکاران[۱۱] (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین قابلیت مدیران و عملکرد (سودآوری) شرکت در طول بحران مالی جهانی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که توانایی مدیران رابطه مثبت و معناداری با سودآوری شرکت‌ها دارد؛ به این معنی که شرکت‌هایی که توسط مدیران توانا اداره می‌شوند، در طول دوره بحران سرمایه‌گذاری بیشتری کرده، و سود بیشتری بدست می‌آورند و در صورت عدم دسترسی به سود مورد نظر و کافی، اقدام به انتشار اوراق بدهی می‌کنند.

کاسیپیلای[۱۲] و ماهنثیران[۱۳] (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه میان حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و مالیات پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که ساختار مالکیت و ساختار مدیریتی شرکت‌ها بر سازوکارهای مدیریت سود که بر تعویق مالیات مؤثر است، تأثیر می‌گذارد.

ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اثر متقابل بین ترکیب هیأت مدیره و استقرار یک سیستم مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی مؤثر، اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد.

---

[۹] O'Sullivan
[۱۰] McCallig
[۱۱] Panayiotis et al.
[۱۲] Kasipillai
[۱۳] Mahenthiran

بیوسلینک[۱۴] و دلوف[۱۵] (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان «مدیریت سود و گروه‌های تجاری: مشوق‌های مالیاتی یا مصادره پنهان» نشان دادند که استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود در شرکت‌های عضو گروه نسبت به سایر شرکت‌ها، به طور قابل توجهی به نرخ مالیات بستگی دارد.

بنابراین فرضیه های پژوهش بصورت زیر قابل بیان است؛

فرضیه اصلی اول: اجتناب مالیاتی به‌گونه مستقیم دارای رابطه منفی با ارزش بازار شرکت است.

فرضیه‌های فرعی:

۱. نرخ مؤثر مالیاتی به‌گونه مستقیم دارای رابطه مثبت با ارزش بازار شرکت است.
۲. تفاوت دفتری مالیات به‌گونه مستقیم دارای رابطه منفی با ارزش بازار شرکت است.

فرضیه اصلی دوم: سودآوری شرکت‌ها بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار شرکت نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

فرضیه‌های فرعی:

۳. سودآوری شرکت‌ها بر رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و ارزش بازار شرکت نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.
۴. سودآوری شرکت‌ها بر رابطه بین تفاوت دفتری مالیات و ارزش بازار شرکت نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

۳- روش تحقیق

می‌توان این پژوهش را از نوع پژوهش‌های کمّی دانست که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمّی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲).

دوره مورد مطالعه، یک دوره زمانی هفت ساله بر اساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴می‌باشد. شرکت-های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از نمونه‌گیری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده شده است:

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
۲. اطلاعات مالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
۳. تا پایان سال مالی ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
۴. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آن‌ها متفاوت است.

[۱۴] Beauselinck
[۱۵] Deloof

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۹۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۴ حائز شرایط فوق بوده و مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده می‌شود. برای نگارش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بخش مبانی نظری از مجلات تخصصی داخلی و خارجی، و برای گردآوری سایر داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزارهای تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین استفاده شده است.

به منظور توصیف، تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در این پژوهش از آماره‌های توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد و روش ضریب همبستگی پیرسون و استنباطی مانند تحلیل رگرسیون خطی چندگانه به‌وسیله نرم‌افزار آماری SPSS-22 استفاده شده است. هم‌چنین، جهت تعیین برازش مدل مورد مطالعه از مدل‌بندی معادلات ساختاریدر نرم‌افزارSmart PLSبهره‌گیری به‌عملآمده است.

مدل‌بندی معادلات ساختاری که در اواخر دهه شصت میلادی معرفی شد، ابزاری در دست پژوهش‌گران جهت بررسی ارتباطات میان چندین متغیر در یک مدل را فراهم می‌سازد. قدرت این تکنیک در توسعه نظریه‌ها باعث کاربرد وسیع آن در علوم مختلف از جمله سیستم‌های اطلاعاتی شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل استفاده زیاد پژوهش‌گران از مدل‌بندی معادلات ساختاری، قابلیت آزمودن تئوری‌ها در قالب معادلات میان متغیرهاست. دلیل دیگر لحاظ نمودن خطای اندازه‌گیری توسط این روش است که به پژوهش‌گر اجازه می‌دهد تا تجزیه و تحلیل داده‌های خود را با احتساب خطای اندازه‌گیری گزارش دهد. مدل‌های مرسوم در مدل‌بندی معادلات ساختاریدرواقع متشکل از دو بخش هستند. مدل اندازه‌گیری که چگونگی توضیح و تبیین متغیرهای پنهان توسط متغیرهای آشکار مربوطه را بررسی می‌نماید و مدل ساختاری که نشان می‌دهد چگونه متغیرهای پنهان در پیوند با یکدیگر قرار گرفته‌اند. استفاده از مدل‌بندی معادلات ساختاری مزایای زیادی دارد که پنج مورد از مهم‌ترین آنها عبارتند از (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲):

الف) تخمین روابط چندگانه؛

ب) قابلیت سنجش متغیرهای پنهان (مفاهیم مشاهده نشده)؛

ج) محاسبه خطای اندازه‌گیری؛

د) قابلیت بررسی تأثیرهم‌خطی؛

ه) آزمون روابط جعلی و غیرواقعی.

۳- یافته های پژوهش

الف) آمار توصیفی

به‌منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شود. از این‌رو، توصیف آماری داده‌ها، گاهی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و گاهی دیگر، پایه‌ای است برای تبیین روابط بین متغیرهایی که در پژوهش به کار می‌رود.

جدول شماره ۱ آمار توصیفی برای همه‌ی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد میانگین سودآوری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران برابر با ۰/۱۴ است؛ به این معنا که شرکت‌ها به‌طور میانگین سالانه در حدود ۱۴ درصد دارایی‌های خود سود کسب کرده‌اند. آماره‌های مربوط به متغیر فرصت‌های رشد نشان می‌دهد که فروش شرکت‌ها سالانه در حدود ۱۸/۲ درصد افزایش داشته است. همچنین، اطلاعات مرتبط با متغیر ارزش بازار شرکت‌ها مندرج در جدول شماره ۱ حاکی از آن است که در بورس تهران به طور میانگین ارزش بازار شرکت‌ها در حدود ۱/۸ برابر ارزش دفتری آنها است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

آماره / متغیر	کران پایین	کران بالا	میانگین	انحراف معیار
نرخ مؤثر مالیاتی	۰	۰/۳۵۷	۰/۱۲۱	۰/۰۸۵
تفاوت دفتری مالیات	-۰/۲۷۷	۰/۵۳۷	۰/۰۴۷	۰/۰۹۱
سودآوری	-۰/۳۲۹	۰/۵۵۶	۰/۱۴۰	۰/۱۰۷
ارزش بازار شرکت‌ها	۰/۷۲۶	۵/۱۰۳	۱/۸۱۷	۰/۶۸۸

ب) آمار استنباطی:

نتایج آزمون مدل مربوط به فرضیه‌های اصلی پژوهش

در این بخش نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش ارائه می‌گردد. نتایج آزمون ارتباط بین متغیرهای پنهان (اجتناب مالیاتی) و آشکار (نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات) به‌منظور بررسی نقش واسطه‌ای سودآوری در تبیین رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار شرکت‌ها، در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود بر اساس نتایج به‌دست آمده متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی (ضریب رگرسیونی ۰/۷۱۱ و آماره t۱۰/۲۸۴) وتفاوت دفتری مالیات (ضریب رگرسیونی ۰/۷۱۹ و آماره t۱۰/۲۸۴)با اجتناب مالیاتی به عنوان شاخص‌های توضیح‌دهنده رابطه مستقیم و معناداری دارند.

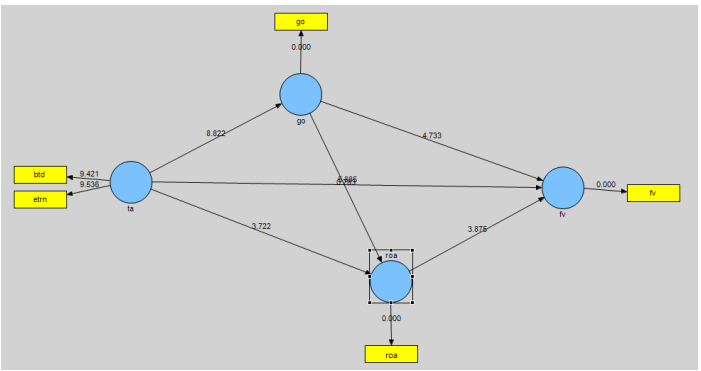
جدول ۲: خلاصه نتایج آزمون ارتباط بین متغیرهای پنهان و آشکار

ارتباطات	متغیر	ضرائب رگرسیون مسیر	خطای استاندارد	آماره t
رابطه ۱	نرخ مؤثر مالیاتی به اجتناب مالیاتی	۰/۷۱۱	۰/۰۷۱	۱۰/۲۸۴
رابطه ۲	تفاوت دفتری مالیات به اجتناب مالیاتی	۰/۷۱۹	۰/۰۶۹	۱۰/۲۸۴

با توجه به شکل شماره ۱ (مدل نهایی پژوهش برای فرضیه‌های اصلی) و جدول ۳، مشاهده می‌شود که آماره t برای مسیر رابطه بین اجتناب مالیاتی[۱۶] به ارزش بازار شرکت‌ها۳/۶۱۱ است؛ این آماره در سطح اطمینان ۹۵ درصد منفی و معنادار است. بنابراین، فرضیه اصلی اول پژوهش را نمی‌توان رد کرد. همچنین، مطابق با اطلاعات مندرج در این جدول، آماره t برای مسیر رابطه بین اجتناب مالیاتی به سودآوری ۳/۹۸۶ است؛ این آماره در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار است. آماره t برای مسیر رابطه بین سودآوری به ارزش شرکت‌ها۳/۸۷۴ است؛ این آماره نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار است.در مجموع، می‌توان با توجه به نتایج مسیرهای مورد بررسی پژوهش مندرج در شکل شماره ۱ و هم‌چنین ضرائب رگرسیونی مسیرها، این چنین بیان کرد که متغیر سودآوری می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی‌گر در تبیین رابطه بین متغیرهای اجتناب مالیاتی و ارزش بازار شرکت‌ها، نقش مستقیم و معناداری را ایفا کند.بنابراین، فرضیه اصلی دوم پژوهش را نیز نمی‌توان رد کرد.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش

مسیر متغیرها	ضرائب رگرسیون مسیر	خطای استاندارد	آماره t
اجتناب مالیاتی به ارزش بازار شرکت‌ها	-۰/۱۳۰	۰/۰۳۶	۳/۶۱۱*
اجتناب مالیاتی به سودآوری	۰/۱۶۴	۰/۰۴۱	۳/۹۸۶*
سودآوری به ارزش بازار شرکت‌ها	۰/۱۴۰	۰/۰۳۶	۳/۸۷۴*



شکل ۱: خلاصه نتایج مدل نهایی پژوهش برای فرضیه‌های اصلی پژوهش

سرانجام، با مشاهده جدول شماره ۴-۵، مقدار R^2 متغیرهای وابسته پژوهش به ترتیب برابر با ۰/۰۷۰، ۰/۰۲۷ و ۰/۰۹۰ است. بنابراین، با توجه به این مقدار، متغیرهای مستقل پژوهش می‌توانند ۷، ۲/۷ و ۹ درصد از تغییرات

[۱۶] اجتناب مالیاتی از طریق دو معیار نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات شاخص‌سازی شده است. از آنجا که نرخ مؤثر مالیاتی معیار معکوس اجتناب مالیاتی است، برای شاخص‌سازی متغیر اجتناب مالیاتی، معیار نرخ مؤثر مالیاتی در عدد منفی یک ضرب شده است.

متغیرهای وابسته (ارزش بازار شرکت‌هاو سودآوری) را پیش‌بینی کنند. از سویی، شاخص واریانس استخراج شده (AVE) نیز، بیانگر اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است (این شاخص باید مقداری بیش از ۰/۵ داشته باشد). هم‌چنین، شاخص قابلیت اعتبار مرکب (Composite Reliability) سازه‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، نشان‌دهنده اعتبار ترکیبی مناسب این متغیرها را نشان می‌دهد (این شاخص باید مقداری بیش از ۰/۵ داشته باشد). افزون‌بر این، آزمون آلفای کرونباخ حاکی از پایایی مناسب ابزار اندازه‌گیری است.

جدول ٤ خلاصه آماره‌های مرتبط با مدل پژوهش برای فرضیه‌های اصلی پژوهش

متغیر	R^2	پایایی (آلفای کرونباخ)	CR	AVE
اجتناب مالیاتی	–	۰/۶۹۴	۰/۶۵۵	۰/۵۸۷
سودآوری	۰/۰۲۷	۱	۱	۱
ارزش بازار شرکت‌ها	۰/۰۷۰	۱	۱	۱

در جدول شماره ۵ نتایج مرتبط با بررسی اعتبار حشو و شاخص بررسی اعتبار اشتراک ارائه شده است. بر اساس آماره‌های CV-Red و CV-Com مندرج در جدول شماره ۵ که به ترتیب بیانگر شاخص بررسی اعتبار حشو (افزونگی) و شاخص بررسی اعتبار اشتراک (روایی متقاطع) است، با نمایش اعداد مثبت برای هر چهار متغیر، نشانگر کیفیت مناسب الگوی ساختاری برای متغیرهای پژوهش است.

جدول ٥: نتایج بررسی اعتبار حشو و شاخص بررسی اعتبار اشتراک برای فرضیه‌های اصلی پژوهش

متغیر	CV-Red	CV-Com
اجتناب مالیاتی	۰/۳۱۱	۰/۵۱۱
سودآوری	۰/۳۰۲	۰/۹۹۲
ارزش بازار شرکت‌ها	۰/۳۸۳	۱

نتایج آزمون مدل مربوط به فرضیه‌های فرعی پژوهش

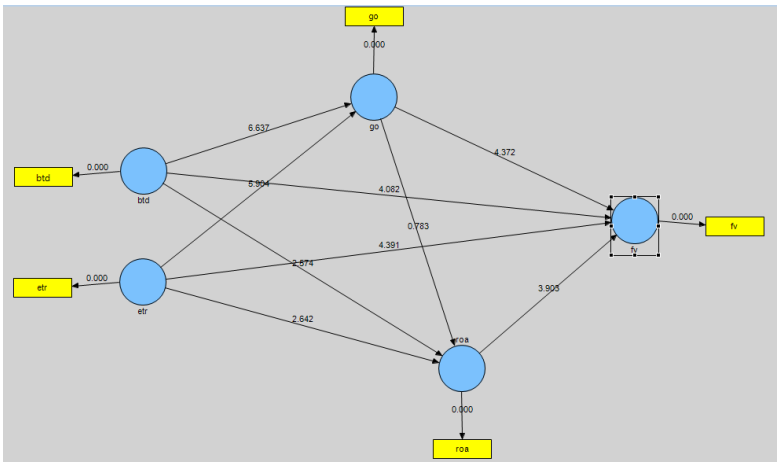
در این بخش نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش ارائه می‌گردد. با توجه به شکل شماره ۲ (مدل نهایی پژوهش برای فرضیه‌های فرعی) و جدول شماره ۶، مشاهده می‌شود که آماره t برای مسیر رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی[۱۷] به ارزش بازار شرکت‌ها۲/۷۸۹ است؛ این آماره در سطح اطمینان ۹۵ درصد منفی و معنادار است. بنابراین، فرضیه فرعی اول پژوهش را نمی‌توان رد کرد. همچنین، مطابق با اطلاعات مندرج در این جدول، آماره t برای مسیر رابطه بین تفاوت دفتری مالیات به ارزش بازار شرکت‌ها ۲/۲۷۵ است؛ این آماره در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار

[۱۷] با توجه به این که نرخ مؤثر مالیاتی معیار معکوس اجتناب مالیاتی است، در این جدول ضرایب رگرسیونی مربوط به متغیر نرخ مؤثر مالیاتی باید به‌گونه معکوس تحلیل شوند.

است. لذا فرضیه فرعی دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. افزون‌بر این، آماره‌های t برای مسیر رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات به سودآوری، به ترتیب،۲/۸۳۰و ۲/۷۵۱ است؛ این آماره‌هانیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار هستند. همچنین، آماره t برای مسیر رابطه بین سودآوری به ارزش بازار شرکت‌ها۳/۹۰۲ است؛ این آماره نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار است.در مجموع، می‌توان با توجه به نتایج مسیرهای مورد بررسی پژوهش مندرج در شکل شماره ۴-۲ و هم‌چنین ضرائب رگرسیونی مسیرها، این چنین بیان کرد که متغیر سودآوری می‌تواند به‌عنوان متغیر میانجی‌گر در تبیین رابطه بین متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات با ارزش بازار شرکت‌ها، نقش مستقیم و معناداری را ایفا کند.

جدول ٦: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش

مسیر متغیرها	ضرائب رگرسیون مسیر	خطای استاندارد	آماره t
نرخ مؤثر مالیاتی به ارزش بازار شرکت‌ها	۰/۱۰۱	۰/۰۳۶	۲/۷۸۹*
تفاوت دفتری مالیات به ارزش بازار شرکت‌ها	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۷	۲/۲۷۵*
نرخ مؤثر مالیاتی به سودآوری	-۰/۱۱۲	۰/۰۳۹	۲/۸۳۰*
تفاوت دفتری مالیات به سودآوری	۰/۱۲۳	۰/۰۴۴	۲/۷۵۱*



شکل ۲: خلاصه نتایج مدل نهایی پژوهش برای فرضیه‌های فرعی پژوهش

سرانجام، با مشاهده جدول شماره ۷، مقدار R^2 متغیرهای وابسته پژوهش به ترتیب برابر با ۰/۰۷۰و ۰/۰۲۷ است. بنابراین، با توجه به این مقدار، متغیرهای مستقل پژوهش می‌توانند ۷، ۹ و ۲/۷ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته (ارزش بازار شرکت‌ها و سودآوری) را پیش‌بینی کنند. از سویی، شاخص واریانس استخراج شده (AVE) نیز، بیانگر

اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است (این شاخص باید مقداری بیش از ۰/۵ داشته باشد). هم‌چنین، شاخص قابلیت اعتبار مرکب (Composite Reliability) سازه‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، نشان‌دهنده اعتبار ترکیبی مناسب این متغیرها را نشان می‌دهد (این شاخص باید مقداری بیش از ۰/۵ داشته باشد). افزون‌بر این، آزمون آلفای کرونباخ حاکی از پایایی مناسب ابزار اندازه‌گیری است.

جدول ۷: خلاصه آماره‌های مرتبط با مدل پژوهش برای فرضیه‌های فرعی پژوهش

متغیر	R^2	پایایی (آلفای کرونباخ)	CR	AVE
نرخ مؤثر مالیاتی	–	۱	۱	۱
تفاوت دفتری مالیات	–	۱	۱	۱
سودآوری	۰/۰۲۷	۱	۱	۱
ارزش بازار شرکت‌ها	۰/۰۷۰	۱	۱	۱

در جدول شماره ۸ نتایج مرتبط با بررسی اعتبار حشو و شاخص بررسی اعتبار اشتراک ارائه شده است. بر اساس آماره‌های CV-Red و CV-Com مندرج در جدول شماره ۸ که به ترتیب بیانگر شاخص بررسی اعتبار حشو (افزونگی) و شاخص بررسی اعتبار اشتراک (روایی متقاطع) است، با نمایش اعداد مثبت برای هر چهار متغیر، نشانگر کیفیت مناسب الگوی ساختاری برای متغیرهای پژوهش است.

جدول ۸: نتایج بررسی اعتبار حشو و شاخص بررسی اعتبار اشتراک برای فرضیه‌های فرعی پژوهش

متغیر	CV-Red	CV-Com
نرخ مؤثر مالیاتی	۰/۳۹۷	۰/۵۲۳
تفاوت دفتری مالیات	۰/۳۴۲	۰/۴۸۹
سودآوری	۰/۳۰۶	۰/۹۹۲
ارزش بازار شرکت‌ها	۰/۳۹۴	۱

٤- بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی آثار میانجی‌گری سودآوری بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در نمونه مورد بررسی، بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری مشاهده شد. لذا فرضیه اصلی اول پژوهش را نمی‌توان رد کرد. همچنین، بین شاخص‌های نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات با ارزش شرکت‌ها، به ترتیب، رابطه مثبت و منفی معنادار وجود دارد. بنابراین، فرضیه‌های فرعی اول و دوم پژوهش نیز پذیرفته می‌شوند. این رابطه به این معنا است که با افزایش میزان اجتناب

مالیاتی در شرکت‌ها از ارزش بازار آنها کاسته می‌شود. این یافته مطابق با نتایج تحقیق‌های هانلن و سلمرود (۲۰۰۹)، چن و همکاران (۲۰۱۴) و چن و همکاران (۲۰۱۶) و مبانی نظری پژوهش است؛ اما با نتایج پژوهش‌های دسای و دهارماپالا (۲۰۰۹) همسو نیست. دلیل چنین رابطه‌ای از دیدگاه تئوری نمایندگی آن است که تصمیم‌های اجتناب مالیاتی برای سوءاستفاده‌های مدیران مناسب است و امکان چنین اقدامی را برای آنان فراهم می‌کند؛ لذا این موضوع کاهش ارزش شرکت‌ها را به دنبال خواهد داشت. شواهد مرتبط با فرضیه اصلی دوم نشان داد که بین سودآوری شرکت‌ها بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و شاخص‌های آن (نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات) با ارزش بازار شرکت‌ها در نمونه مورد بررسی آثار واسطه‌ای دارد. در نتیجه، فرضیه اصلی دوم تحقیق و فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم را نیز نمی‌توان رد کرد. به بیان دقیق‌تر، می‌توان گفت که نتایج آزمون فرضیه اصلی دوم و فرضیه‌های فرعی مرتبط با آن برعکس نتایج فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی مرتبط با آن، نشان داد که اجتناب مالیاتی می‌تواند به‌گونه غیرمستقیم و از طریق سودآوری باعث افزایش ارزش شرکت‌ها شود. به عبارتی، اجتناب مالیاتی باعث کاهش پرداخت مالیات در شرکت شده و لذا میزان سودآوری شرکت را افزایش داده و با افزایش میزان سودآوری شرکت، نگاه سرمایه‌گذاران نسبت به شرکت‌ها بهبود پیدا کرده و منجر به افزایش ارزش شرکت‌ها می‌شود. در سایر پژوهش-های انجام شده مانند چن و همکاران (۲۰۱۶) نیز نتایج مشابهی حاصل شده است.

بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد میشود که کاهش مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها، حداکثرسازی منافع سهامداران، توجه به منافع ذینفعان، افزایش کارایی و اثربخشی و مصرف منابع به بهینه‌ترین شکل ممکن، از اهداف اساسی اقتصاد هر کشوری است. امروزه در اکثر کشورها بوسیله بهبود حاکمیت شرکتی به دنبال رسیدن به این مهم می‌باشند. بنابراین، براساس نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر این که اجتناب مالیاتی به‌گونه مستقیم باعث اثر منفی بر ارزش شرکت‌ها و به‌گونه غیرمستقیم باعث اثر مثبت بر ارزش شرکت‌ها می‌شود، پیشنهاد می‌شود مسئولان سازمان بورس و اوراق بهادار تهران با در پیش گرفتن سیاست‌های مناسب حاکمیت شرکتی، وضعیت آن را در بازار سرمایه ایران ارتقا بخشیده تا مدیران نتوانند از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی در راستای منافع شخصی خود استفاده کنند. این موضوع از کاهش ارزش شرکت‌ها و به تبع آن کاهش رشد گسترش بازار سرمایه، می‌کاهد.

این تحقیق نیز همانند سایر تحقیقات با محدودیت‌هایی روبرو بوده است برخی از محدودیت‌هایی که این پژوهش با آنها مواجه بوده است یکی به دلیل محدود بودن دوره فعالیت بورس و تعداد شرکتهای نمونه، آزمون فرضیات به صورت تجمعی یا سال– شرکت انجام شده است. لذا ممکن است نتایج حاصله با نتایج مبتنی بر آزمون بر اساس اطلاعات هر شرکت متفاوت باشد که در تعمیم‌پذیری باید مدنظر قرار گیرد. و همچنین محقق در خصوص انتخاب شرکت‌هایی که خارج از بورس فعالیت می‌کنند به عنوان بخشی از جامعه آماری با محدودیت مواجه بوده است؛ چرا که اطلاعات این دسته از شرکت‌ها در دسترس عموم قرار ندارد. لذا نتایج این پژوهش ممکن است برای این دسته از شرکت‌ها متفاوت باشد. و نهایتا در فرآیند تحقیق علمی، مواردی وجود دارد که خارج از کنترل محقق می‌باشد و به طور بالقوه می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار دهد. هدف از این تحقیق بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای فرصت‌های رشد و سودآوری شرکت‌ها می‌باشد. لذا تاثیر سایر متغیرهای احتمالی بر نتایج تحقیق در استفاده از یافته‌های تحقیق باید در نظر گرفته شود.

منابع

- ابراهیم‌پور، مجتبی؛ بابانژاد، حامد و میثم طالب تبارآهنگر (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین نقدینگی و اهرم مالی بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (صنایع خودرو و ساخت قطعات، شیمیایی و دارویی). *ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری*، شماره ۲۶، ص‌ص. ۸۰-۱۰۰.
- ایزدی‌نیا، ناصر و امیر رساییان (۱۳۸۸). ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکت‌ها در ایران. *فصلنامه تخصصی مالیات*، شماره ٤، ص‌ص. ٤٣-٣١.
- حساس یگانه، یحیی؛ مرادی، محمد و هدی اسکندر (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و ارزش شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره۱۵، شماره ۳، ص‌ص. ۲۲۱-۲۰٤.
- دموری، داریوش؛ عارف‌منش، زهره و خلیل عباسی موصلو (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.*پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال سوم، شماره ۱، ص‌ص. ٥٤-۳۹.
- سعیدی، پرویز و عبدالحکیم کلامی (۱۳۸۷). تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه-گذاری شرکت‌های تولیدی. *فصلنامه تخصصی مالیات*، شماره ۳، ص‌ص. ۱۹۸-۱٦۹.
- شمس زاده، باقر و وجیه الله ذکوری (۱۳۸۷). شناسایی علل اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی اشخاص حقوقی. *فصلنامه تخصصی مالیات*، شماره ۲، ص‌ص. ۱۳۵- ۱۰۷.
- شه رضایی، محمود (۱۳۸۳). استفاده از نسبت‌های مالی در تصمیم‌گیری. *ماهنامه حسابدار*، شماره ۱٦٥، ص‌ص ۲٤-۲۱.
- صحت، سعید؛ شریعت پناهی، سیدمجید و فراز مسافری راد (۱۳۹۰). رابطه بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی در صنعت بیمه. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال نهم، شماره ۳۲، ص‌ص. ۱۲۱-۱٤۰.
- مرادی، مهدی؛ باقرپور ولاشانی، محمد علی و امین رستمی (۱۳۹۵). ارتباط بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش سرمایه-گذاری، دوره پنجم، شماره ۱۷، ص‌ص. ۱۲۷-۱٤٦.
- ودیعی، محمدحسین (۱۳۷٦). جایگاه و نقش ارزیابی عملکرد در بازرسی و نظارت شرکت‌های دولتی. *مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی سال ۱۳۷٦*. تهران: سازمان بازرسی کل کشور، ص‌ص ٤٩٦-٤٨١.

- Beuselinck, C. and M. Deloof (2014).Earnings Management in Business Groups: Tax Incentives or Expropriation Concealment?*The International Journal of Accounting*, Vol. 49, No. 1, pp. 27-52.
- Blocher, E. J., Stout, D. E., Cokins, G. and Chen, K. H. (2008).*Cost Management: A Strategic Emphasis*. NewYork: IRWIN. McGraw-Hill.
- Chen, X., Hu, N., Wang, X. and X. Tang (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China. *Nankai Business Review International,* Vol. 5, No. 1, pp. 25-42.

- ✓ **Chen, Z., Cheok, C.K. and R. Rasiah (2016). Corporate Tax Avoidance and Performance: Evidence from China's Listed Companies. *Institutions and Economies,* Vol. 8, No. 3, pp. 61-83.**
- ✓ **Dahiyat, A. (2016). Does Liquidity and Solvency Affect Banks Profitability? Evidence from Listed Banks in Jordan.*International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences*, Vol. 6, No.1, pp. 35-40.**
- ✓ **Desai, M.A., and D. Dharmapala (2009).Corporate tax avoidance and firm value.*The Review of Economics and Statistics,* Vol. 91, No. 3, pp. 537-546.**
- ✓ **Dyreng, S. D., Hanlon, M. and E. L. Maydew (2008). Long-Run Corporate Tax Avoidance, *Accounting Review*, Vol. 83, No. 1, pp. 61-82.**
- ✓ **Easton, P. D., Harris, P. D. and J-A.Ohlson (1992). Aggregate accounting earnings can explain most of security returns: The case of long term intervals. *Journals of Accounting and Economics*, Vol. 15, pp. 119-142.**
- ✓ **Hanlon, M. and J. Slemrod (2009). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement.*Journal of Public Economics,* Vol. 93, No. 1, pp. 126-141.**
- ✓ **Kasipillai, J. and S. Mahenthiran (2013).Deferred Taxes, Earnings Management, and Corporate Governance: Malaysian Evidence. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol. 9, No. 1, pp. 1-18.**
- ✓ **O'Sullivan, D. and J. McCallig (2012).Customer Satisfaction, Earnings and Firm Value.*European Journal of Marketing*, Vol. 46, No. 6, pp. 827-843.**
- ✓ **Panayiotis, C. A., Daphna, E. and L. Christodoulos (2013). Managerial Ability and Firm Performance: Evidence From the Global Financial Crisis.*Available at www.efm aefm . org /.../2013-Reading/.../EFMA2013_0542_fullpaper.pdf***
- ✓ **Pasternak, M. and C. Rico (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis. *Akron Tax Journal*, Vol. 33, pp. 123-142**
- ✓ **Richardson, G., Taylor, G. and R. Lanis (2013). The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 32, No. 3, pp. 68-88.**